

مصاحبه با استاد علی کورانی

استاد علی کورانی عاملی متولد جنوب لبنان (جبل عامل) می‌باشد. ایشان در نجف، تقریباً ده سال در درس‌های آیت الله فوی و شهید صدر شرکت کرده و سپس به عنوان وکیل آیت الله مکیم و آیت الله فوی به کویت عزیمت نمود. بعد از آن به لبنان مراجعت نمود و با پیروزی انقلاب اسلامی به ایران آمده و در تهران، در زمینهٔ حرکت‌های انقلابی در عراق و لبنان فعالیت داشت. هم‌اکنون نیز در قم مشغول فعالیت‌های تمقیقی می‌باشد. برفی از تألیفات ایشان در مقولهٔ مهدویت عبارتند از: «عصر ظهور» (عربی، فارسی)، «المهدون للمهدی علیه السلام»، «معجم احادیث الامام المهدی علیه السلام» (پنج جلد).

انتظار: ضمن تشکر از قبول زحمت توسط حضرت عالی، در ابتدا، نظر خود را راجع به

ویژگی‌ها و بایسته‌های یک مجله تخصصی بفرمایید.

● خطاب و موضوعات مجلهٔ تخصصی باید با دیگر نشریات، فرق داشته باشد. باید ببینید مسألهٔ مهدویت در جهان، چه گونه زنده است؟ مثلاً در فلسطین راجع به امام مهدی (عج) غوغا است و آنان منتظر حضرت هستند. باید شما، ببینید همین بچه‌های شهادت طلب حماس، جهاد و... ارتباطشان با امام مهدی (عج) چیست؟ باید زندگی نامهٔ کسانی که در جهان اسلام ادعای مهدویت دارند یا دیگران معتقدند که آنها منمهد هستند (مثل بن لادن) را به دست آورید. اگر می‌خواهید مجلهٔ شما



فعال باشد، باید رایزنی فرهنگی در جهان داشته باشید تا برای شما گزارش‌ها و موضوعات مختلف بفرستند.

اگر می‌خواهید مخاطب شما جهانی باشد، باید بدانید در جهان نسبت به موضوع «مهدویت» چه می‌گذرد؟ مثلاً حساسیت CIA نسبت به امام مهدی (عج) تا چه حدی است؟

انتظار: درباره نوشته‌های خود مثل عصر ظهور، ملائكة الغیب قادمون [فرشتگان

غیبی در حال آمدنند] و... توضیح بفرمایید؟

● از نظر شیعیان دنیا، انقلاب ایران، به عنوان زمینه ساز ظهور مطرح است. آنان کم و بیش، می‌دانند که این از علایم ظهور است. در روایت‌های موجود، عبارات «رجل من قم» و «قوم من المشرق» آمده است. به این انگیزه خواستم کتابی بنویسم تا خلأ موجود اندکی پر شود؛ یعنی، برای آشنایی شیعیان با عصر ظهور و زمینه سازی برای آن و برای شناخت علامت‌های ظهور و رابطه انقلاب اسلامی ایران با آن علایم، کتاب «عصر ظهور» را تألیف کردم.

انتظار: به نظر شما تطبیقاتی که در کتاب آورده‌اید، چه قدر صحیح است؟ آیا ما

می‌توانیم در حوزه تطبیق وارد شویم؟

● البته تطبیق قابل مناقشه است. تطبیق؛ یعنی، برداشت که بعضی از آنها یقینی و برخی ظنی است؛ مثلاً نقش ایرانی‌ها، یمنی‌ها، ابدال شام و نجبای مصر، در ظهور حضرت، یقینی و قطعی است؛ اما بقیه ظنی است.

انتظار: در مورد تطبیق قیام مشرق به انقلاب ایران، چنانچه خدای ناکرده انقلاب به

بن بست رسید، آیا خواننده کتاب در اصل روایت تردید نمی‌کند؟

● من تطبیق قطعی نکردم؛ بلکه ترجیح دادم. البته در صورت تجدید چاپ، تذکر می‌دهم که بعضی از احتمالات، ظنی است.

انتظار: شما ترک‌ها را بر روس‌ها تطبیق داده‌اید، در حالی که عملاً شوروی از بین

رفته و این روایت چگونه بر روس‌ها تطبیق شده است؟

● البته روس‌ها هنوز هستند؛ اما این تطبیق قابل مناقشه است.

من از روایت برداشت کردم که منظور ترک‌های کافر است، نه مسلمان. در روایات،



«اقوام الترك» و «امم الترك» آمده و اینها وسیع تر از ترک‌های ترکیه است؛ یعنی حتی، به هند، چین و بلغار، «امم الترك» گفته می‌شود.

من قبلاً خیال می‌کردم طالقان، همین منطقه طالقان است؛ بعد به این نتیجه رسیدم که این گونه نیست. پیامبر ﷺ وقتی می‌خواستند از سرزمین ایران صحبت کنند، فرمودند: «ارض المشرق»، یا «منطقه جبال طالقان»، مخصوصاً وقتی که دیدم اهل بیت عنایت داشته‌اند که مفهوم قم را گسترده کنند.

یک روز عده‌ای به خدمت امام هادی علیه السلام رفتند، آن حضرت فرمود: اهل کجا هستید؟ گفتند: اهل ری.

فرمود: «اهلاً باهل قم»؛ گفتند: آقا جان! ما اهل ری هستیم، فرمود: «اهلاً باهل قم»؛ یعنی، معنای قم (تشیع) و خط فکری و اعتقادی آن مطرح است.

از این رو بعداً متوجه شدم که معنای حرفی مراد نیست. حتی به ایران یا از مشهد تا قزوین، خراسان می‌گفتند.

انتظار: آیا احتمال دارد منظور از «سفیانی»، کسی باشد که تفکر ابوسفیانی دارد؟ یا

مراد «از دجال» کسی باشد که اهل نفاق است؟ یعنی شخص حقیقی مراد نباشد؟

● من نگفتم «خراسانی» شخص حقیقی نیست؛ بلکه شخص حقیقی منسوب به خراسان است. اما این خراسان ممکن است از پنجوین تا تاشکند باشد.

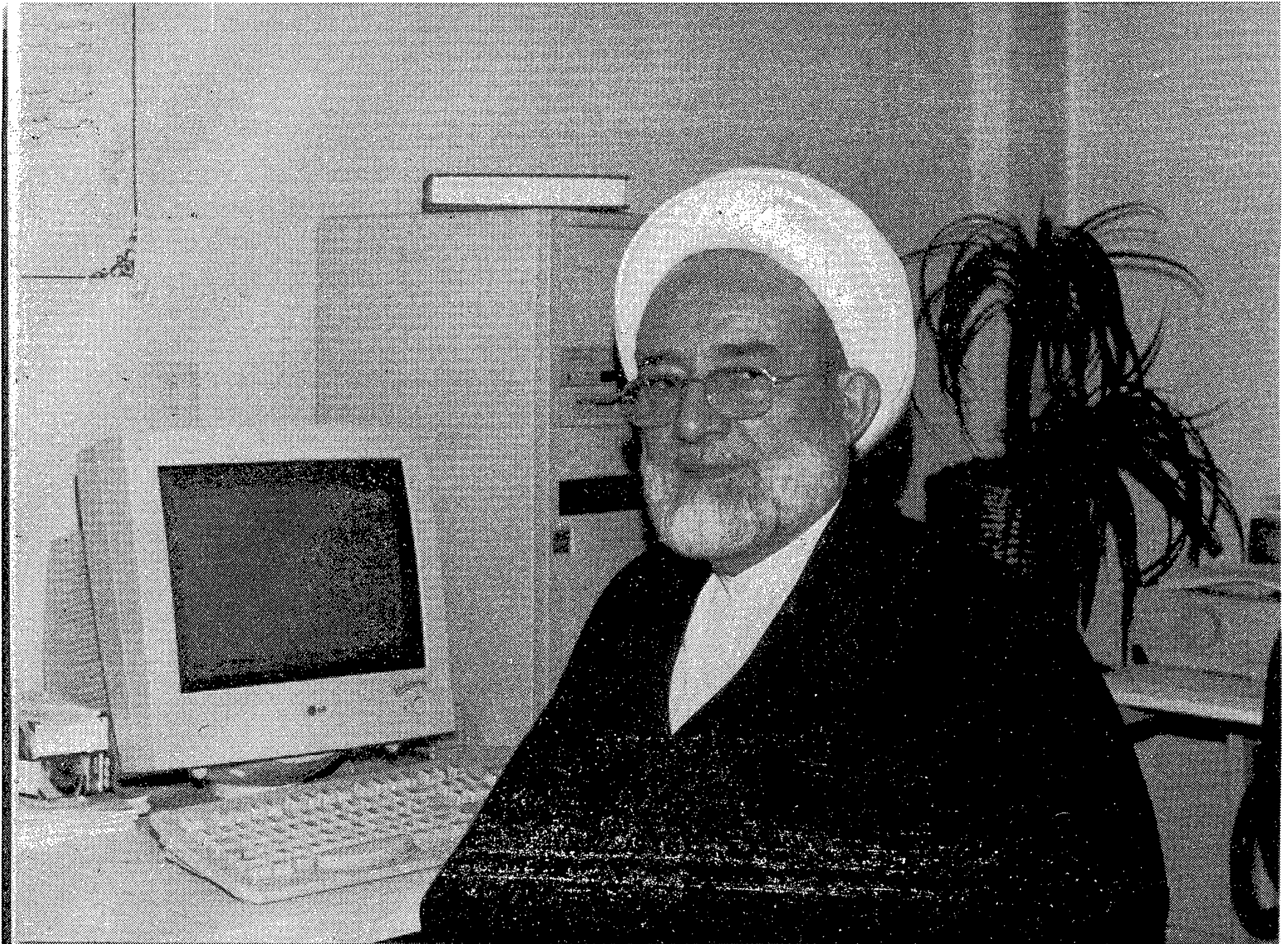
اما درباره سفیانی گفتنی است که در ده‌ها روایت آمده که او اموی و از اولاد ابوسفیان است، از این رو نمی‌توانیم بگوییم: سفیانی، شخص حقیقی نیست. همچنین نمی‌توانیم بگوییم «دجال» رمزی است. نظر آن شخص لبنانی هم که در کتابش گفته دجال همین تمدن و اسرائیل است، سلیقه‌ای است و علمی نیست.

انتظار: شما در کتاب «عصر ظهور» فقط به نقل روایات پرداخته‌اید و بحث سندی یا

تعارض روایات و... را مطرح نکرده‌اید! انگیزه شما چه بوده است؟

● بله، این نقص کتاب است، اما اعتقاد دارم که کلیات آن صحیح است. لذا اگر دوباره بخواهم بنویسم، اول روایات را بررسی می‌کنم، بعد می‌نویسم. در صورتی که مخاطب بگوید: چرا به این روایات اعتماد کردی؟ می‌گویم: من به آن نقل‌ها اعتقاد داشتم؛ اما این تصور قابل بحث است.





انتظار: در نمای کلی کتاب «عصر ظهور» برنامه حکومتی حضرت کمتر مطرح بوده و چهره خشنی از حکومت آن حضرت ارائه شده است؛ نه چهره پدران و معربان ایشان؟!

● بلی، این نقص است. من به جهت این که شیعه، هزاران سال در مظلومیت بوده و در دوران جنگ هم این کتاب نوشته شده است؛ خواستم انتقام حضرت را مطرح کنم؛ اما باید به جوانب دیگر هم پرداخته شود.

انتظار: این سؤال مطرح است که چه لزومی دارد، امام متولد شود و سالیان طولانی در غیبت باشد؟ آیا بهتر نبود در زمان مقتضی متولد می شد؟

● اگر صرفاً کارهای امام مربوط به دوران ظهور و بعد از آن باشد، این گفته صحیح است؛ اما آن حضرت برنامه های دیگری هم دارد. حضرت خضر علیه السلام عمر طولانی دارد؛ ولی ما خیال می کنیم ایشان بی کار است. حال آن که در طی دو سه روز مصاحبت موسی علیه السلام با ایشان، چندین کار مهم انجام داد که موسی علیه السلام نتوانست تحمل کند؛ یعنی، برنامه های الهی وجود دارد که جنود الهی آنها را اجرا می کنند. خضر علیه السلام الآن برنامه های خود را از امام مهدی علیه السلام می گیرد. امام زمان (عج) در شب

قدر دو برنامه دارد: یکی درباره خودش و دیگری درباره فعالیت‌های مردم. ایشان با سی نفر تماس دارد. آنها با طبقه دوم و همین طور تا برسند به انسان‌های معمولی. آنان ابدال هستند و وقتی یکی می‌میرد، دیگری به جای او می‌آید.

نقش صاحب الزمان (عج)، در جریان دنیا در دو سطح صورت می‌گیرد: یک سطح، مربوط به فعالیت سازمانی حضرت خضر و ابدال است. سطح دیگر هم دخالت و عنایات وجود خود حضرت است. فرمانده جنود الهی، امام زمان (عج) است.

مرحوم شیخ مرتضی حائری (ره) به امید ملاقات آن حضرت به جمکران می‌رفت. ایشان فرمود: یک روز در نماز ظهر، بوی عطر مخصوصی که هرگز استشمام نکرده بودم، به مشامم خورد؛ ولی چیزی ندیدم. نماز خواندم و دعا کردم.

روز دیگر که از منزل به حرم می‌رفتم، از داخل مغازه‌ای همان عطر را استشمام کردم. صاحب مغازه را می‌شناختم. خواستم از او سؤال کنم، دیدم چند نفر داخل مغازه‌اند، چیزی نگفتم. روز بعد آمدم و گفتم: حاج آقا! سؤالی دارم، گفت: بفرمایید، گفتم: دیروز حضرت این جا تشریف داشتند؟ گفت: ما کجا، حضرت کجا؟ گفتم من علامتی دارم. بعد از اصرار گفتم: یکی از نوکران حضرت آمد، چند کلمه صحبت کرد و رفت.

آیت الله بهجت و آیت الله وحید هم نقل کرده‌اند: شخصی به نام شیخ غلامرضا کسائی، خادم مدرسه در تبریز بود. ایشان خادم نمونه و دارای اخلاق نیک نسبت به طلبه‌ها بود.

یکی از طلبه‌ها می‌گوید: شبی از اتاق بیرون آمدم، دیدم اتاق کوچک این خادم نوری دارد که روشنایی آن، غیر از نور مدرسه است.

رفتم جلو، و فهمیدم که با کسی صحبت می‌کند، صدای خادم را شنیدم؛ ولی صدای طرف مقابل را نشنیدم، تا این که نور تمام شد. در زدم، پرسید: چکار داری؟ گفتم: چه کسی این جا بود؟ گفت: هیچ کس. گفتم: یا بگو یا این که داد می‌زنم و همه طلبه‌ها را جمع می‌کنم. کمی فکر کرد و با این که کم حرف بود، گفت: باشد می‌گوییم؛ ولی قول بده که تا روز جمعه به کسی نگویی. قول دادم و او جریان را گفت. به این مضمون که یکی از «ابدال» روز جمعه می‌میرد و ایشان به من گفت (خود حضرت



بوده یا واسطه ایشان): می خواهیم تو را به جای او قرار دهیم، روز جمعه حاضر باش.

این طلبه می گوید: شب چهارشنبه بود، دیدم روز چهارشنبه خیلی عادی رفتار کرد، روز پنج شنبه هم همین طور تا این که روز جمعه رسید. از فجر جمعه مراقبش بودم، دیدم کارهایش معمولی است؛ مثلاً ساعت ده لباس ها و کفش هایش را شست، بعد رفت وضو گرفت تا این که نزدیک ظهر، دفعتاً غیب شد.

من ناگهان داد زدم، همه آمدند، گفتم: فلانی کو؟ گفتند: حتماً رفته بیرون و بر می گردد، گفتم نه رفت که رفت.

برخی از افراد روشنفکر، مسأله لزوم عمر طولانی حضرت را این گونه تحلیل کرده اند که برای تربیت حضرت مهدی (عج)، این عمر طولانی لازم است؛ یعنی ایشان باید در طی این هزار سال، انواع حکومت ها را ببینند، وضع زمین و تغیر زمان را مشاهده کند و...؛ ولی این حرف صحیح نیست. حتی اگر دوره آموزشی هم مطرح باشد، برای کسی که می خواهد بعداً حکومت جهانی داشته باشد، لازم نیست این قدر طولانی باشد. حتی اگر فهم او پایین باشد و بدون مدد الهی بخواند حکومت کند لازم نیست به این اندازه عمر کند؛ تا چه رسد به این که ایشان به نحو خاصی می خواهد حکومت کند.

به هر حال این نوع طرز تفکر اشتباه است؛ حتی اگر شخصی مثل شهید صدر این حرف را گفته باشد.

انتظار: البته ایشان به «تربیت» تعبیر نمی کند، بلکه می گوید: اگر حضرت بخواند در

موقع قیام، ظلم را با تمام وجود ریشه کن نماید، باید ظلم را با تمام هستی اش

احساس کرده و دیده باشد، نه این که شنیده باشد. به همین دلیل باید در تاریخ

حضور داشته باشد.

● در این رابطه با شهید صدر (استاد مان) بحث هایی شد. ظاهراً در اواخر این نظر را رها کرد؛ اما آنچه نوشته، مانده است.

ایشان می فرمود: پدر هیتلر، آن قدر که دیگران از او می ترسند، از او نمی ترسد؛ چون از کوچکی او را دیده است.

امام زمان (عج) هم وقتی طرف مقابلش شخصی مثل بوش است، وقتی از کوچکی او را شناخته و بد اخلاقی او را در مدرسه و خانه، دیده است، دیگر از او و امثال وی ترسی ندارد؛ یعنی از لحاظ روحی مسلط است. اما این حرف از لحاظ علمی قانع کننده نیست؛ تربیت دو جنبه دارد:

گاهی می‌گوییم تربیت یعنی یاد دادن حکومت، و گاهی می‌گوییم یعنی این که حضرت از نظر روحی، بر مخالفانش مسلط و قوی شود؛ اما هیچ کدام قابل قبول نیست. حتی برای انسان معمولی هم قابل قبول نیست تا چه رسد به شخصیت معصوم که به مدد الهی حکومت بر پا می‌کند.

برخی از اشخاص غیر معصوم مانند امام خمینی (ره)، مقابل دشمن هیچ تکانی نمی‌خورد و مثل یک بچه با آنها رفتار می‌کرد؛ چه رسد به امام معصوم که حجت خدا بر زمین است. از این رو نمی‌توان گفت دلیل غیبت این مسائل است.

غیبت امتحان الهی و تمهید برای آینده است. این غیبت‌ها در اساس، استراتژی کارهای الهی بوده است.

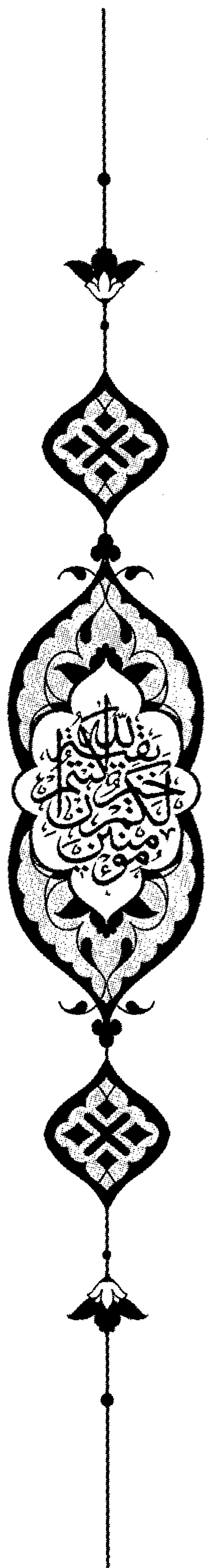
شیخ صدوق رضی الله عنه در مقدمه «کمال الدین» آورده است: حضرت فرمود: از غیبت پیامبران بنویس؛ یعنی، این سنت الهی است و از فلسفه همان غیبت‌ها پیروی می‌کند.

پس دلیل این غیبت، عقوبت مردم است، یعنی، مردم مستحق این امام و بقای ظهور نیستند.

ائمہ علیہم السلام می‌فرمایند: «لا يعرف سرّ غیبتہ الا بعد ظهورہ... کما لم يعرف وجه الحکمة فی ما فعله الخضر الا بعد ان فسّره.» و از خضر علیہ السلام، مثال آورده‌اند.

این تحلیل خیلی مهم است که حجت‌های الهی روی زمین از زمان آدم، نوح، ابراهیم، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیہ السلام حالت‌های مختلفی داشته‌اند که یکی از آنها «غیبت» است. «غیبت»؛ یعنی این که فعالیت‌های مخفی بیشتر و فعالیت‌های علنی کم می‌شود. فعالیت‌های مخفی همین سازمان جنود الهی است؛ یعنی، وضع جامعه این قدر سخت می‌شود و فشار و اختناق زیاد می‌گردد که امام معصوم نمی‌تواند وظیفه‌اش را انجام دهد.

در زمان تولّد امام زمان (عج) وضع اختناق به حدی بود که همه جا دنبال امام می‌گشتند و هر چه زن داخل خانه امام عسکری بود، زندانی می‌کردند تا بدانند امام



متولد می شود یا نه؟

در غیبت، خیلی از فعالیت های علنی، مخفی می شود؛ یعنی، حالت دیگری به وجود می آید و برای او به عنوان «حجة الله على الارض» هر سال برنامه ای در امر خودش و امر جهان و مردم نازل می شود. چندین نفر نیز نخبه در اطراف ایشان هستند که با تعداد دیگری تماس دارند و فعالیت های آنان به صورت مخفیانه یا علنی صورت می گیرد.

وضع به همین گونه ادامه می یابد تا وقتی که ظهور صورت گیرد؛ یعنی، آن قدر فتنه ها زیاد و همه راه ها بسته می شود و کسی نمی تواند کاری انجام دهد تا این که یک نفر می آید و می گوید: من می توانم کاری انجام دهم.

نسبت افعال ظاهری حضرت به فعالیت های الهی باطنی، مثل یخی است که در آب شناور باشد یعنی نسبت یک به نه. «ما يظهر لنا من الفاعليات الاختيارية و قوانين المجتمع التي تجرى الان الظاهر لنا جزو و الباطن اعظم».

خیلی چیزها که ما می بینیم، خیال می کنیم طبیعی است؛ در حالی که شاید پشت سرش الطاف الهی بوده و مقدماتی انجام شده تا این اثر مترتب شود.

انتظار: مطالبی که حضرت عالی فرمودید، بیشتر به علت غیبت مربوط می شود؛ اما

سؤال ما این است که آیا نمی شد به جای این که یک امام داشته باشیم و دوره

اختفایی داشته باشد؛ اصلاً امامی نمی داشتیم تا اینکه زمان مقتضی فرا برسد و

متولد شود؟ چه ضرورتی دارد که امام این دوران را به این صورت بگذارند؟

● منظور شما این است که چرا نمی شود تغیب امام عصر (عج)، مانند سایر ائمه علیهم السلام با مرگ باشد. در این جا دو مسأله هست: یکی این که وجود امام لازم است و از طرفی غیبت امام هم لازم می باشد؛ لذا خداوند بین این دو مطلب را جمع کرد.

انتظار: چرا وجود امام لازم است؟

● به دلیل این که لزوم امام حتی یک لزوم فیزیکی هم هست. در روایات قطعی صحیح آمده است: «ان الارض لو خليت من حجة لساخت بأهلها». عبارت «ساخت بأهلها»؛ یعنی، قوانین شیمی و فیزیک خوب کار نمی کند.

در زمان هاشم جد پیامبر گرامی اسلام، خواستند کعبه را تجدید بنا کنند؛ خود هاشم



فرمود: فقط پول حلال بدهید. شروع کردند به تعمیر اساس کعبه تا این که به یک صخره سبز رنگ رسیدند، یک نفر خواست با ضربه‌ای آن سنگ را بلند کند، دیدند تمام مکه موج زد و لرزید. هاشم فرمود: به آن سنگ دست نزنید.

از نظر مادی متصور است که تمام کوه البرز مبنی بر یک سنگ باشد که با تکان خوردن آن، تمام کوه تکان می‌خورد. در زلزله‌ها هم همین تحلیل هست که گاهی یک تغییر کوچک، موجب یک زلزله بزرگ می‌شود.

این تأثیر در وجود معنوی هم متصور است.

در زمان امام عسکری علیه السلام باران نمی‌آمد. اهل کتاب و مسلمین جمع شدند. اول مسلمین نماز باران خواندند، خبری نشد. اما وقتی نصارا نماز باران خواندند، باران آمد.

مسلمین در شک و تردید قرار گرفتند. خلیفه، امام عسکری علیه السلام را که در زندان بود دعوت کرد. ایشان فرمود: مرا ببرید جایی که می‌خواهند نماز بخوانند (روز دوم). حضرت نزدیک آمد و فرمود: آن چیزی که بین انگشتان بزرگ اهل کتاب است، بگیرید. دیدند استخوان یکی از پیامبران را در دست گرفته است؛ یعنی، در معرض استجاب قرار گرفتن و باران آمدن، وابسته به آن استخوان بود.

باید بگوییم یک فیزیک بالاتر هم هست که حاکم بر این فیزیک است، از جمله آن فیزیک بالاتر، وجود امام به عنوان مرکز نور خدا است (شبيه نظرية الفيض). که اگر نباشد، قوانین فیزیای متعارف به هم می‌ریزد. و لذا اگر چه غیبت حضرت ضروری است، اما لازم است که بماند.

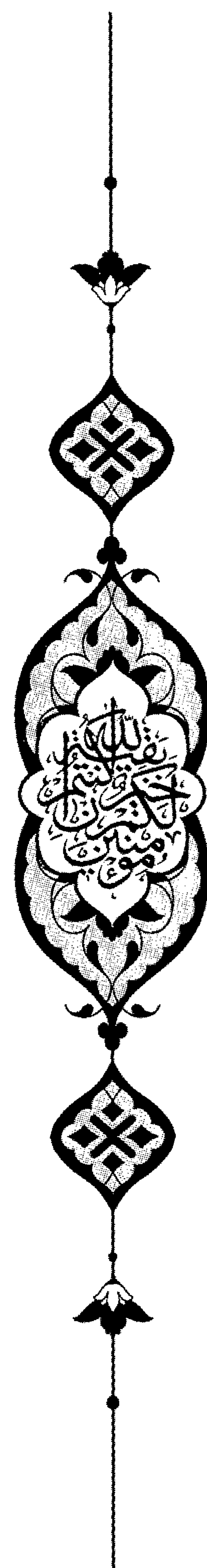
از حدوث آن و اعتقاد ما به حکمت خداوند تبارک و تعالی این مطلب را استکشاف می‌کنیم.

انتظار: یعنی همان تعبد است.

● نه تعبد غیر از استکشاف است. تعبد به این معنا است که سرش را نمی‌فهمیم؛ اما قبولش داریم. ولی گاهی اوقات استکشاف می‌کنیم. که این نوعی از فهم است (حد وسط است).

انتظار: اگر روایت «لولا الحجة» نبود، آیا عقل می‌توانست استدلال بکند؟

● در این صورت به تعبد کامل می‌رسیدیم.



انتظار: در فرض نبودن روایت، چگونه به تعبد کامل می‌شد؟

● یک راه آن، استکشاف عقل و راه دیگر آن، روایت است. وجوه غیبت را گاهی به دلیل عقلی استکشاف می‌کنیم و گاهی به دلیل روایی. اگر این استکشافات نبود، می‌دانیم کار خدا همیشه حکمت دارد، اما وجه حکمت را نمی‌دانیم (مثل این که نمی‌فهمیم چرا نماز چهار رکعت است یا سه رکعت)

انتظار: فلاسفه گاهی استدلال‌هایی می‌کنند به این که امام را به عنوان غایت

افعال می‌دانند و نبودنش را در واقع خلل در کل افعال می‌دانند. آیا ادله را می‌توان در این حریم راه داد؟

● اگر قطعی باشد، می‌توان؛ ولی نوعاً استدلال‌هایی که ذکر می‌کنند ظنی است و قطعی نیست.

انتظار: شما بحثی را مطرح فرمودید که امام شوونی دارد و در حال غیبت به آنها

می‌پردازد؛ مثل همان جنود الهی و ورود در کارها. آیا دلیلی هم بر این مدعا دارید؟

● همین روایاتی که داریم: «ما بثلاثین من وحشة»؛ یعنی، آن حضرت، با سی نفر تماس دارد. خضر علیه السلام الآن برنامه و دستورش را از امام عصر (عج) می‌گیرد. مجموع اینها دلالت دارد بر این که امام فعال است و دارد کار می‌کند و روش او، همان روش خضر است که خدا در قرآن بیان کرده است (همه کارهایش به نفع مؤمنان است).

انتظار: با عرض پوزش، این برخورد ضعیف با مسأله است که بگوییم امام علیه السلام ۱۲۰۰

سال عمر کرده که اگر کسی گم شده، بیاید نجاتش دهد.

● اولاً این کار کمی نیست. ثانیاً تنها این موارد مطرح نیست؛ مثلاً وقتی بمب هسته‌ای در آمریکا ساخته شد، کشورهای دیگر چگونه می‌توانستند به آن دسترسی داشته باشند؟ چرا کارهایی از این قبیل را نمی‌گویید؟

انتظار: شما دلیلی برای این مطلب ندارید. ما برای سخن شما احترام قائلیم، اما

اگر دلیل اقامه کردید که این کار به وسیله حضرت صورت گرفته، می‌پذیریم.

● ما الگوی کار حضرت خضر را در قرآن داریم. الگوی کار او همان سه کار است:

مسأله کشتی برای اقتصاد مؤمنان؛ کشتن آن پسر برای حفظ مؤمنان و تعمیر دیوار برای آینده آن دو پسر؛ یعنی، کارها همه در یک کانال صورت گرفته است.

انتظار: شباهتی که در روایت آمده (بین امام زمان (عج) و حضرت خضر)، شباهت

در «غیبت» است؛ یعنی، بعداً مشخص می‌شود که وجه غیبتش چه بوده است. اما

این که اعمال او مثل اعمال خضر باشد، در روایت نیامده است؟

● خضر از اعوان امام است؛ حتی ابن عربی می‌گوید: وزیرش خضر است. در روایتی آمده است: «ان الله یصل وحدته بالخضر و یونس وحشته به فی غیبته». احادیث متعددی در این موضوع داریم.

انتظار: ایشان با خضر علیه السلام، حشر و نشر دارد؛ ولی آیا روایتی در این زمینه داریم که

فعل او، فعل خضر است؟

● من اعتقاد دارم حضرت ولی عصر (عج) بالاتر از خضر است.

انتظار: طرف ما، این مبنا را قبول ندارد و می‌گوید: وقتی حضرت مهدی نبود، خضر

این افعال را انجام می‌داد. حالا هم او این اعمال را انجام می‌دهد و نیازی نیست

امام زمان بیاید و افعال را به عهده بگیرد؟

یا می‌گوید ما عالمانی داریم که از غیب خبر دارند و همین کارهای معمولی (مثل

کمک به مؤمنان گمشده) را انجام می‌دهند؛ چه نیازی است که امام زمان خلق شود

و این کارهای پیش پا افتاده را انجام دهد؟

● اینها ضرورت مسلمین را از کجا می‌دانند؟ اگر این عالمان از غیب خبر داشته

باشند؛ باز هم علمشان خیلی محدود است؛ ولی وسعت علم غیب حضرت مهدی

(عج)، به وسعت تمام زمین و عوالم دیگر است. امامت اهل بیت علیهم السلام مخصوص

زمین نیست. تازه همین ضرورت‌های مؤمنان در دنیا، در طول شبانه روز چقدر

است؟ این مسأله کمی نیست.

انتظار: آیا این کارها از کانال امام زمان (عج)، انجام می‌شود؟

● حتماً همین طور است.

انتظار: اگر خود خضر این کارها را انجام می‌داد، چه ایرادی داشت؟

● شاید خود حضرت می‌روند. در مشکلات جنگ و غیره که می‌گویند اسبش را



دیدیم، این حضرت نبوده؛ بلکه یکی از یاران آن حضرت بوده است.

انتظار: چه نیازی هست که رئیس باشد، خود خضر اینها را انجام می‌داد؟

● دستور و الهام خداوند به وسیله یک رئیس ارسال می‌شود. رئیس این سازمان، حضرت است.

انتظار: مهم‌ترین کاری که امام در دوران غیبت انجام می‌دهد، چیست؟ آیا

تشریحی است یا تکوینی؟

● تکوینی است.

انتظار: چه کاری است؟

● تکوینی این است که مرکز «نورالله فی الارض» است. هر هدایت، لطف و نعمتی باید از راه و کانال آن به خلق برسد. آن حضرت باید اعمال مؤمنان را ببیند. این از مهم‌ترین موجبات وجود ایشان است.

انتظار: آیا دیگران نمی‌توانند مستقیماً آن الطاف را از خدا بگیرند و حتماً باید

فردی واسطه باشد؟

● بله، مستقیم نمی‌توانند، دادن عطای الهی از این راه است.

انتظار: آیا غیر از این راه نمی‌شود؟

● فکر نمی‌کنم بشود.

انتظار: چه ایرادی داشت که امام زمان (عج) نبود و خداوند مستقیماً فیض

می‌رساند؟

● در این صورت می‌شد پیامبران هم نباشند و خداوند همه را هدایت کند؛ مثلاً برای هر نفر یک نسخه قرآن می‌فرستاد.

انتظار: بحث تشریحی را کار نداریم.

● خداوند این طور خواسته که بدون واسطه قبول نمی‌کند: «یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله وابتغوا الیه الوسیلة»؛ یعنی، خودتان واسطه را پیدا کنید.

عمر بن خطاب از پیامبر ﷺ روایت می‌کند که: «کل دعاء لا یُرفع الی السماء الا ان تصلى علی محمد و آل محمد»؛ یعنی، هر عریضه‌ای مُهر می‌خواهد و مهر دعا، صلوات است.



انتظار: آیا امکان دارد که برخی از افراد بتوانند خدمت حضرت برسند و از این

طریق از آن حضرت استفاده کنند؟

● امکان دارد؛ ولی باید بدون هرگونه ادعایی باشد.

انتظار: پس توقیع حضرت که می فرماید: «هر کس ادعای مشاهده کرد، تکذیبش

کنید»، چه می شود؟

● در اوایل، ادعای مشاهده همراه با نیابت بود. در زمان نائبان چهارگانه، ادعای مشاهده امام علیه السلام با ادعای نیابت همراه بود. پس وقتی حضرت فرمود: «فمن ادعی المشاهدة قبل السفیانی و نفس الزکیة فهو کذاب مُفتر»، مشاهده های متبادر ذهنی سؤال کننده (مشاهده همراه با ادعای نیابت)، مورد نظر بوده است.

انتظار: آیا حضرت نمی توانستند با صراحت بفرمایند، ادعای نیابت را تکذیب کنید؛

یعنی، الآن در زمان ما اگر کسی ادعای مشاهده کرد، نباید تکذیبش کرد؟

● نه، اگر ادعای نیابت ندارد، لازم به تکذیب نیست. برخی از افراد ادعای نیابت دارند که اینها را باید تکذیب کرد.

انتظار: در زمان غیبت صغری این توقیع صادر شد؛ در حالی که ما در غیبت شیخ

طوسی روایاتی راجع به سال های ۳۰۶ یا ۳۰۹ هـ ق داریم که نقل ملاقات کرده است.

در زمان غیبت صغری، مشاهداتی (از جمله ملاقات فرزند مهزیار) نقل شده است.

این افراد می آمدند و جریان را می گفتند؛ اما ادعای نیابت نداشتند؟ آیا با این

وجود، ملازمه ای بین مشاهده و نیابت هست که آن حضرت، تعبیر مشاهده را به

معنای «نیابت خاصه» مطرح فرموده است؟

● بله، مردم می دانستند که این نایب است. شاید علی بن مهزیار این گونه نبود.

انتظار: آیا در غیبت صغری، صرف مشاهده با نیابت خاصه ملازمه ای داشت یا این

که معطوف به قرینه ای بود؟

● «الاصل عند ما تطلق المشاهدة»؛ یعنی، با نیابت. اگر در زمان غیبت صغری، علی بن

مهزیار آن گونه بود، استثنا بود یا این که مردم آن وقت با ایشان هم برخورد می کردند.

«عندما تطلق المشاهدة فی الغیبة الصغری یعنی معها النیابة». امام علیه السلام خواست

تفکیک کند.



انتظار: آیا این ملازمه، از لحاظ لغوی وجود دارد؟

● نه، عرف بوده است: مشاهده اعم از نیابت است و معنای نیابت را نمی دهد؛ ولی آن وقت می گفتند: «شاهده فلان»؛ یعنی، ادعای نیابت کرد. این نوع مشاهده در روایت نفی شده است.

انتظار: در روایات داریم که حضرت در موسم حج حضور پیدا می کنند. مردم ایشان

را نمی بینند؛ ولی ایشان مردم را می بینند. آیا اینجا عدم امکان رؤیت را

نمی رساند؟

● نه، این عمومیت را نمی رساند.

انتظار: عمومیت یعنی چه؟

● یعنی این که خیلی ها می بینند؛ از این رو حضرت وقتی ظاهر می شود، آنان می گویند ما در مکه یا فلان جا، ایشان را دیده بودیم.

انتظار: شما در مقابل این روایت می فرمایید: چون متواتراً حضرت را دیده اند،

این روایت عمومیت ندارد؟

● این بر نفی دلالت ندارد.

انتظار: این که اعم است.

● معنای لغوی مشاهده الآن ظهور دارد؛ وگرنه مشاهده به معنای «کان فی مشهده» است؛ مثل محاضره یعنی، خودش در تماس همیشگی باشد. این مشاهده منفی، کدام مشاهده است؟ مشاهده ای که الان ادعا می کنند یا مشاهده خاصه است؟ وقتی احتمال آمد، استدلال باطل می شود.

اشخاصی که در غیبت کبری، ادعا کرده اند؛ اشخاص پرهیزگار و دارای حواس سالم هستند و کرامت ها آورده اند. ادعایی هم ندارند و این کافی است برای این که نفی این مشاهده، نشده است.

انتظار: تویق شاید این گونه باشد؛ اما در روایت «موسم» آمده است که مردم در

موسم حج ایشان را نمی بینند.

● این نفی ندارد.

انتظار: چرا نفی ندارد؟

● مردم موسم؛ یعنی، عموم مردم، اما شاید یک نفر ببیند؛ مثلاً یک نفر مخفیانه به قم بیاید، مردم او را نمی‌بینند؛ ولی چند نفر او را می‌بینند، اصلاً منافات ندارد. «یظهر فی الموسم یری الناس ولا یرونه». اما چند نفر خاص او را ببینند، منافاتی ندارد.

انتظار: برخی ادعا کرده‌اند که ما امام زمان را دیده‌ایم، چگونه بفهمیم این ادعا

صادق است یا کاذب؟

● من انواعش را دیده‌ام؛ فقط یک نفر را صادق یافتم.
فردی را دیدم که دچار حالت «شیزوفرنی» (خلط بین خیال و واقع) بود؛ یعنی، چیزی که تخیل می‌کرد، می‌دید. اما برخی افراد دروغگو هستند. به هر حال شک می‌کنیم که افراد درست می‌گویند یا نه.

انتظار: با چه شاخصه‌هایی می‌توان فهمید که راست می‌گویند یا دروغ؟

● سخت است. اولین علامت این است که خود فرد، ادعای مقام ندارد؛ مثلاً الآن شخصی به نام شیخ محمد اسماعیل هست. به او گفتم: حضرت چه فرمود؟ گفت: از فلانی و فلانی تعریف کرد. گفتم: درباره شما چه فرمود، جواب داد: از من تعریف نکرد.

انتظار: نفس ادعای دیدن، خودش مقامی است؛ حالا شخصی که صادق نیست، از

کجا بفهمیم با ذکر این ملاقات، نمی‌خواهد برای خودش ادعای مقام کند.

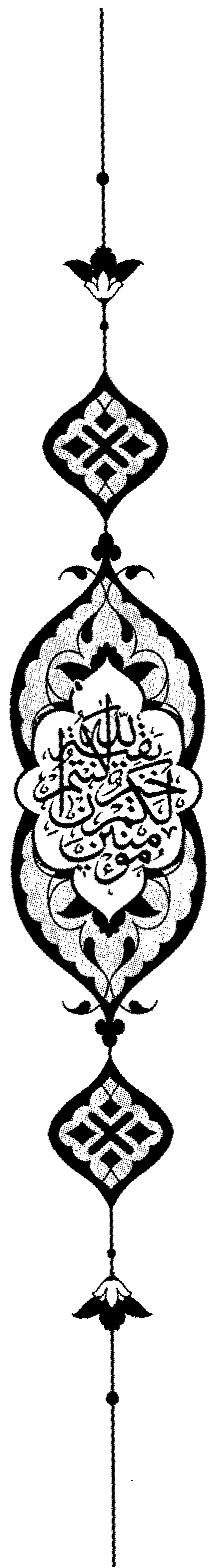
● بلی، باید بدانیم که این شخص متدین، اهل تقوا و بی‌اعتنا به دنیا است یا نه. علامت‌های دیگری هم در مورد ادعای رؤیت هست. این جا اصالت اشتباه و دروغ می‌آید تا ثابت شود.

«الاصل فیہ الکذب حتی یثبت. الاصل فیہ الاشباه و الکذب».

انتظار: برخی از این افراد، کارهای خارق العاده‌ای هم انجام می‌دهند؛ مثلاً

بیمارانی را شفا می‌دهند. گاهی نیز یک چیزهایی دارند که برای عموم مردم

مبہوت کننده است.



● در این صورت مشکوک تر می شود.

انتظار: چطور وقتی زنی، هدایایی را آورد، به حسین بن روح گفت: اگر گفتمی

داخل جعبه چیست، می فهمم تو با امام ارتباط داری. او نیز گفت: برو بینداز داخل

دجله و بیا؟

● فردی که می خواست امتحان کند، انتخاب کرد که او چه کار نماید (خودش مدعی کار خارق العاده نبود).

انتظار: در نظام های جهانی، به این نتیجه رسیده اند که باید نظم نوین جهانی یا

دهکده جهانی داشته باشیم. آیا اینجا نشانه این است که جهان دارد به طرف

حکومت حضرت نزدیک می شود یا این که مخالف جهت حرکت حضرت است؟

● این حرکت های اجتماعی، سیاسی و پیشرفت های جهان، به سود حضرت است.

انتظار: به چه دلیلی اینجا مقدمه ساز است؟

● حضرت مهدی (عج)، حکومت جهانی را مطرح می کند: «انّ صاحبکم لیرکب

السحاب و... یكون العلم فی زمنه جزئین فیضم الیه خمساً و عشرين جزئاً و یشها فی الناس سبعاً و عشرين».

«ما کان من سحاب ذلول فسُخِرَ لذی القرنین».

«و اما السحاب الصعب فذخر لصاحبکم، قلت و ما السحاب الصعب قال الذی فیہ صاعقة و رعد و برق».

«الرجل فی زمن المهدی یرى من فی المشرق من فی المغرب».

مجموع اینها دلالت دارد بر این که الان، جهان به طرف شکل حکومت حضرت پیش می رود.

انتظار: شاخصه حکومت حضرت مهدی (عج) این است که معنوی است؛ ولی الآن

جهان دارد به سوی مادیات می رود. در این جهان مادی و خلاف معنویت، چگونه

امکان حکومت جهانی امام زمان علیه السلام وجود دارد؟

● دو مسأله باید در نظر گرفته شود:



اولاً انسان هر قدر در ظلمت فرو رود و غبار روی فطرتش بنشیند، باز هم فطرت انسانی اش باقی می ماند. حتی در غرب اعتقادشان در گرایش به اسلام بیشتر می شود؛ یعنی، وقتی یک نفر، مطلب روحی مطرح می کند، همه دنبالش می روند. ثانیاً حضرت مهدی (عج) از همان مطالب مادی برای توحید و نبوت و... دلیل می آورد؛ مثلاً با استفاده از حقایق قرآن و معادلات ریاضی (تعداد کلمات و معانی بعضی آیات)، راه های شکافتن کوه ها و... را ترسیم می کند (لو أنزلنا هذا القرآن...). یا برای درمان فلان درد می فرماید فلان کار را انجام دهید.

مشکل مادیات و گرایش به آنها، بیشتر در غرب مطرح است که حضرت مسیح علیه السلام در آن جا ظهور می کند (در هشت ماه اول حرکت حضرت). غرب در این مرحله تکان می خورد و در حالت غضب می خواهد از امام مهدی (عج) و مسلمین انتقام بگیرد، لذا حضرت مسیح نازل می شود. و این که در «قدس» پشت سر حضرت نماز می خواند، در آخر است؛ نه این که اول در «قدس» نازل شود و نماز بخواند.

حال شما تصور کنید وقتی حضرت عیسی علیه السلام در ایتالیا، واتیکان و یا نیویورک دیده شود، چه تظاهرات میلیونی در غرب راه می افتد. طبیعی است که گرایش به طرف حضرت عیسی علیه السلام صورت بگیرد و این حالت، اصلاً جامعه غرب را از چاه مادیات بیرون می آورد. ممکن است بعداً در سطح زمین اختلاف شود و بعضی از حکومت ها با حضرت درگیر شوند؛ ولی گروه و حزب حضرت عیسی علیه السلام زیاداند. حضرت عیسی علیه السلام در مراحل بعدی حکومت جهانی، نقش مهمی دارد. تمام پیامبران فوت کرده اند؛ اما خداوند متعال برای اصلاح جامعه مسیحیت، حضرت عیسی علیه السلام را نگه داشته است.

مشکلی اصلی در حکومت جهانی، طرفداران حضرت عیسی علیه السلام هستند؛ یعنی، بعد از سه سال، حضرت عیسی از شان سیاسی و تصمیم گیری منزوی شده و مردم تصمیم می گیرند با امام زمان علیه السلام بجنگند. در آن موقع حضرت عیسی علیه السلام می آید و پشت سر امام علیه السلام نماز می خواند.



طبق یک حرکت طبیعی، طرفداران عیسی علیه السلام در غرب مسلمان می شوند و امام علیه السلام با جنگ کردن با بقیه مخالفان پیروز می شود. حال افرادی که از غرب مسلمان شده اند، وسیله تکوین جامعه و دولت می شوند.

انتظار: آیا دین مسیحی ها عوض می شود و مسلمان می گردند یا این که به دین

خود باقی می مانند؟

● وقتی حضرت عیسی در آخرین مرحله موضعش را مشخص می کند و پشت سر امام نماز می خواند، آنان مسلمان می شوند. برخی از دوستان می گویند: الان در فرانسه، اگر دولت مانع نشود، یک موج اسلام گرایی به وجود می آید؛ ولی می بینیم وقتی فلان دکتر مسلمان شد، چقدر اذیتش کردند.

انتظار: آیا یهودیت که الان این قدرت را در جهان دارد، تا آن دوره از بین

می رود؟

● الان صهیونیست ها، خیلی مؤثرند، حتی آقای کشورهای غربی هستند. ولی وقتی که حضرت عیسی علیه السلام می آید، یک موج جدید درست می شود و یهودی ها کم می شوند (در فلسطین شکست می خورند). فقط حکومت غربی ها می ماند که با امام زمان مخالف هستند.

انتظار: خداوند، حضرت عیسی علیه السلام را به عنوان یک ذخیره نگه داشته است؛ چون

در صد زیادی از مردم دنیا مسیحی اند. آن حضرت می آید و حتی بر مسیحیان می شود. به نظر شما تکلیف شرق آسیا چیست؟ مثلاً چین یک میلیارد نفر جمعیت

دارد که مسیحی نیستند؟

● صلح با مسیحیان امکان دارد؛ ولی غیر اهل کتاب یا باید اسلام را قبول کنند و یا با آنها باید جنگ کرد؛ یعنی، با اهل کتاب می توان با گرفتن جزیه یا بستن پیمان و... کنار آمد؛ اما با غیر اهل کتاب خیر.

انتظار: در جوامع امروزی، این حرف آیا آثار منفی ندارد؟

● درست است. برای مسیحیت می توان گفت: حضرت عیسی با امام زمان علیه السلام

هماهنگ می شود تا در جهان اصلاح واقع شود. اما برای وثنی ها (هندوها، و بودایی ها)، باید به گونه دیگری صحبت کنیم؛ ولی حکم شرعی همین است.

انتظار: بالاخره تکلیف آنان چه می شود؟

● آنان وقتی می بینند غرب خاضع می شود، آنها هم نرم می شوند و می آیند.

انتظار: اولین اقدام حضرت مهدی (عج) بعد از ظهور، دعوت مردم است یا جنگ با

کافران؟

● در یکی از مراحل حضرت به نواصب می گوید: اسلام بیاورید یا این که کشته می شوید؛ حتی جزیه قبول نمی کند. شاید از سنی ها جزیه قبول کند. الآن ما اهل کتاب را به رسمیت می شناسیم، اما مشرکان را نه. در زمان حضرت هم، یک سری احکام مربوط به همین موضوعات است. با قسمتی از دنیا می توان صلح کرد؛ اما با بعضی صلح امکان ندارد.

انتظار: وقتی که عیسی علیہ السلام آمد، مسیحیت چه می شود؟

● وقتی عیسی علیہ السلام می آید، تمام اهل کتاب به آن حضرت ایمان می آورند. پس مسیحیان، یهودیان را سرکوب می کنند.

یهودیت ضعیف و مخدول می شود. مسیحیان افتخار پیدا می کنند. پس عیسی علیہ السلام در مرحله اول، آنها را دعوت به توحید و نبوت می کند (می گوید من رسولم) و در آخرین مرحله، پشت سر امام عصر علیہ السلام نماز می خواند.

انتظار: آیا مسیحیان پس از این مرحله مسلمان می شوند؟

● بله، در این سه سال خیلی مسلمان می شوند. توده مسیحیت، مسلمان می شوند، فقط نواصب و یهود باقی می مانند که آنان نیز کم هستند.

انتظار: آیا با وجود عیسی علیہ السلام، آنها می آیند با مسلمانان قرار داد می بندند؟

● بله، خود حضرت عیسی واسطه می شود و همه آنها قبول می کنند (در روایت هم داریم که مدت پیمانی که می بندند ده سال است)؛ اما بعد از سه سال پیمان را نقض می کنند.

انتظار: شکل حکومتی حضرت را از نظر مباحث سیاسی جدید، به چه شکل ارزیابی

می کنید؟

● به صورت ۳۱۳ ولایت.



انتظار

سال اوله شماره دوم

UN

انتظار: شما فرموده‌اید که چون یاران حضرت ۳۱۳ نفر هستند، بعداً شکل حکومت

هم به صورت ۳۱۳ ولایت می‌باشد. آیا دلیلی هم بر این مطلب دارید؟

● بله به دلیل این که در روایات راجع به اصحاب امام زمان علیه السلام آمده است: «حکام الارض لما یرسل احدهم یقول له مهما اشکل علیک حکم فانظر فی کفک».

انتظار: این چه دلیلی می‌شود که ولایت‌ها ۳۱۳ عدد هستند؟

● این ۳۱۳ نفر حاکمان زمین هستند. وقتی حضرت یکی از آنان را برای حکومت به جایی می‌فرستد؛ هر وقت یکی از آنها بخواهد، امام را می‌بیند و با او حرف می‌زند: «یقول له مهما اشکل علیک امر...؛ اگر امری را نفهمیدی و نتوانستی قضاوت کنی، به کف تو نگاه کن، حکمش را می‌بینی».

این حکومتی است که امام زمان (عج) رئیس کل است و حاکمان، افراد منصوب ایشان هستند.

انتظار: این که در روایات آمده زنان هم جزء این ۳۱۳ نفر هستند، آیا هر یک از

آنان نیز در منطقه‌ای حاکم خواهند بود؟

● در مورد نقش زنان در حکومت، مطلبی نداریم، اما به نظر می‌رسد نمی‌توانند حاکم باشند.

انتظار: به چه دلیل؟

● به دلیل اجماع فقهای مسلمین از همه مذاهب: «ان المرأة لا تكون قاضية، خالف فی ذلک ابوحنیفه فقال یجوز ان تكون قاضية للنساء، و خالف الطبری و قال یجوز ان تكون قاضياً مطلقاً (و لكن الطبری عاش ثمانین سنة و لم یتزوج!)».

زنان فقط از اصحاب و یاران امام زمان علیه السلام می‌شوند. در آن زمان سطح تفکر و عقل شیعیان بالا می‌رود. مثلاً علمای آنها شبیه پیامبران و طلبه‌ها شبیه فرشته‌ها می‌شوند. زنان نیز سطحشان بالا می‌رود؛ یعنی، سطح ایمانشان به درجه‌ای می‌رسد که مستحق صحبت با حضرت می‌شوند و جزء اصحاب ایشان قرار می‌گیرند.

انتظار: شما می‌گویید: ۳۱۳ ولایت هست، اما زنان حاکم نمی‌شوند؛ با وجودی که در

روایات آمده سیزده یا پنجاه تن از آن ۳۱۳ نفر، زن هستند.

● «یرسلهم» ضمیر مخاطب مذکر است و از باب تغلیب هم نیست. این طور نیست که همه را بفرستند حتی زنان، به نظر من سیزده نفر زن ملحق به اصحاب حضرت



هستند؛ یعنی، جزء ۳۱۳ نفر نیستند. چون در اخبار ۳۱۳ مرد آمده است.

انتظار: آیا امام زمان علیه السلام اصحاب خود را در دوران غیبت تربیت می‌کند؟

● روایتی ندیده‌ام که آنها همراه حضرت بوده باشند و تربیت شوند حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «یجمعهم الله فی لیلۃ واحدة». برخی از آنان، شب در خانه خود می‌خوابند، صبح می‌بینند در مکه هستند. عده‌ای «یسیر فی السحاب»، برخی «یأتی مشیاً» و بعضی «مفقودون من فرشهم» هستند. شب خوابیده، صبح پیدایش نمی‌کنند، می‌بینند که رفته است. «یفتقدہ أهله».

از امام صادق علیه السلام پرسیدند: «ایّهم افضل؟ الذین یسیرون فی السحاب او الذین یفتقدون عن فرشهم؟ قال الذین یسیرون فی السحاب، یعرف اسماءهم و اسماء آبائهم». خداوند آنان را انتخاب کرده و برای حضرت جمع می‌کند؛ گویا خودشان تربیت شده‌اند.

انتظار: آیا ابدال و اوتاد، تربیت شدگان حضرت نیستند؟

● چرا هستند. بنا به یک احتمال، این سی نفر که با حضرت هستند، هر یک با چند نفر مراد شده‌اند تا این که به حد نصاب برسند. خود آنها نیز همراه حضرت هستند که ایشان ظهور می‌فرماید. شاید هم آنان یک دفعه بمیرند و دیگران بیایند.

انتظار: در دوره حکومت امام زمان علیه السلام، نقش مردم و جمهوریت چیست؟ آیا

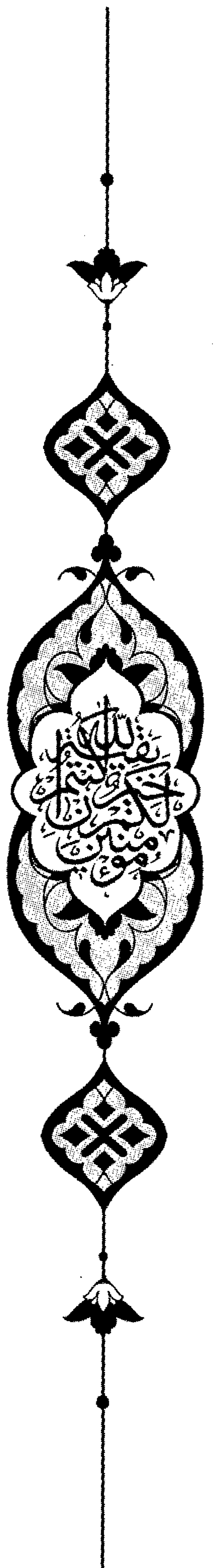
حضرت رأی‌گیری شورا و... دارند؟

● به نظر من وقتی مردم علم حضرت امام مهدی علیه السلام را می‌بینند، خودشان اصرار می‌کنند که ایشان نظر بدهد و به رأی خودش عمل کند. مثل این که وقتی می‌خواهیم فرد صالحی را برای قم انتخاب کنیم، اگر بدانیم یک نفر با علم خدادادی، فرد صالح را انتخاب می‌کند؛ انتخاب را به او واگذار می‌کنیم. مردم بین انتخاب خودشان و نظر امام علیه السلام، رأی او را می‌پذیرند.

انتظار: پس چرا مردم به علم امیرالمؤمنین علیه السلام تن در ندادند؛ با این که علم

ایشان از علم امام زمان علیه السلام بالاتر بود؟

● فهم مردم کم بود. معجزه پیامبر صلی الله علیه و آله در الفاظ قرآن بود؛ اما معجزه امام زمان علیه السلام اعجاز علمی است. به هر حال بعید است که حضرت، امور را به رأی و خواست مردم موکول کند؛ ولی شخصیت آن حضرت این قدر بالا است و مردم معجزات و



آیات از او می‌بینند که خودشان به انتخاب ایشان تن می‌دهند و می‌گویند: ما بر حسب ظن و احتمال، انتخاب می‌کنیم؛ اما او با یقین و علم خدایی انتخاب می‌کند.

انتظار: نقش انقلاب اسلامی و حضرت امام خمینی (ره) در حکومت جهانی حضرت

مهدی ۷ چیست؟

● این حرکت حتماً از علامات ظهور است و در سال ظهور هم، حرکت عظیم مردم ایران در جهت ظهور حضرت خواهد بود. اما فاصله این حرکت معلوم نیست؛ ولی این انقلاب مقدمه است.

انتظار: با توجه به این روایات که هر قیامی قبل از قیام حضرت مهدی (عج) باطل

است، و بعضی با همین مطلب، علیه انقلاب ایران تبلیغ می‌کنند، نظر شما در این

باره چیست؟

● امام خمینی (ره) جواب دادند: مراد، رایتی است که مقابل رایت حضرت باشد؛ نه رایتی که دعوت به ایشان و ولایتشان می‌کند.

انتظار: آیا بحث دلالتی است؟

● بلی، حتی اگر حرف اینها درست باشد، این از نظر علامت بودن مانعی ندارد؛ یعنی، حتی بر فرض حرمت انقلاب، این خودش طبق روایات علامت است. این انقلاب به هر حال زمینه سازی است. حرکتی که در ایران شد، قطعاً علامت است؛ چه به نظر مؤیدان آن و چه به نظر مخالفان آن.

انتظار: وظیفه افراد در مقابل این انقلاب چیست؟ آیا وظیفه، یاری انقلاب است یا به

صرف بطلان رایات، باید از این انقلاب دست کشید؟

● به اعتقاد من، تأیید این انقلاب واجب است؛ حتی تأیید آن برای مخالفان این قیام‌ها نیز واجب است.

انتظار: چگونه برای آنان واجب است؟

● به طور مثال اگر گفتند در این محل مسجد نسازید، چون مشکلاتی دارد؛ اما عده‌ای ساختند، نمی‌توان گفت: دیگران حق دارند آن را تخریب کنند.

بالآخره این انقلاب به اجتهاد مراجع شیعه، برپا شده و تأیید آن واجب است. ما که می‌گوییم حفظ کیان اسلام واجب است، الان کیان تشیع و پایگاه شیعه، همین جا است.



انتظار: آیا این روایت از نظر سند، صحیح است یا ضعیف؟

● روایت، صحیح است؛ فقط بحث دلالتی در آن مطرح است.

انتظار: دلالت آن را می‌توان قید زد به این که «کل رایة» یعنی به خودش دعوت

بکند.

● این تفسیر را امام خمینی رحمته الله داشتند.

انتظار: اهل بیت علیهم السلام نیز بعضی از قیام‌ها را تأیید می‌فرمایند و این مطلب

قضیه را حل می‌کند.

● بله، امام معصوم علیه السلام فرمود: «رحم الله عمی زیداً انه لم يدع لنفسه ولو ظفر لوفی»؛

یعنی، برای خودش دعوت نکرد، برای ما بود.

انتظار: یکی از خصوصیات حکومت حضرت مهدی (عج) عدالت است، در مورد این

خصوصیت مقداری توضیح بفرمایید؟

● در روایتی آمده است: «لا یبقی صنف من الناس الا و حکم؛ [پیش از ظهور] صنفی

نمی‌ماند؛ مگر این که حکومت را به دست بیاورد». تمام اصناف نمی‌توانند این

عدالت حضرت را پیاده کنند؛ حتی ما روحانیان. در حکومت آن حضرت، ایشان

«شدیداً علی العمال و رحیمٌ بالمساکین» است.

در بُعد عدالت جهانی هم، آن حضرت غده‌های سرطانی را با هر وسیله‌ای که

بتواند، از بین می‌برد. ایشان از شیوه‌های علمی، معجزه، عصای موسی و جنگ

طبیعی استفاده می‌کند. در مقاطع مختلف، شیوه‌های گوناگون به کار می‌برد. به هر

حال وقتی که دشمنان، موشک، بمب هسته‌ای و... دارند، خوب حضرت هم طبق

عدالت از همان‌ها استفاده می‌کند.

انتظار: مردم چگونه عدالت حضرت را تحمّل می‌کنند؟

● مردم به جهت این که مطالبی می‌بینند، عاشق حضرت می‌شوند: «تهوی الیه کما

تهوی النحل الی یسوبها». شخصیت امام عصر علیه السلام، جاذبه‌هایی دارد که خاص آن

حضرت است.

انتظار: خشونت مطرح در زمان قیام، چگونه خواهد بود؟

● در حکومت حضرت «شدة فی لین» مطرح است. شاید استفاده از خشونت به

تنهایی باعث شبهاتی بشود؛ مثلاً در مورد آزادی بیان، خوارج در مقابل



امیرالمؤمنین علیه السلام توهین می کردند و فحش می دادند، اما آن حضرت با خشونت برخورد نمی کرد. یکی از خوارج گفت: چقدر فقیه است این کافر؟! فردی از شیعیان خواست او را بکشد، حضرت فرمود: نه صبر کن. اگر فحش داد، یا جوابش را بده یا عفو کن، من عفو کردم.

باید شدت بالین ممزوج باشد. اگر خشونت در غیر جای مناسب استفاده شد، باعث اشکال تراشی می شود. حضرت هم خشونت دارد و هم مهربانی: «شدیداً علی العمال رحیم بالمساکین».

انتظار: ظاهراً در مورد حکومت حضرت، خشونت بیشتر مطرح است، به حدی که برخی از افراد، از ظهور حضرت می ترسند و حتی دیگران را از دعا برای تعجیل فرج منع می کنند.

● در روایت داریم: «اذا تمنیتم فتمنوه فی خیر و عافیة». پس اگر انسان گنه کار باشد، باید بترسد.

اصل کار حضرت، نبرد با دشمنان است و خشونت ها، بیشتر در رویارویی با معاندان و دشمنان می باشد. آن حضرت با مردم با عطف و مهربانی برخورد می کند.

انتظار: در پایان اگر نصیحت و سفارش خاصی دارید، بفرمایید؟

● کارکردن برای تقویت اعتقاد به «مهدویت» خیلی مهم است. از خود حضرت بخواهید که در عمل به این وظیفه مهم، به شما توفیق دهد.

در کار شما دو جنبه هست: یکی جنبه ساختن خود انسان و دیگری نشر مقاله و مجله. سعی کنید چیزی تولید نکنید مگر این که به آن اعتقاد داشته باشید. چیزی بنویسید که به آن اعتقاد دارید، و به مطالب مفید و به درد خور اهمیت بدهید. بگویید من می خواهم موضوعاتی را که خودم علاقه دارم بررسی کنم، و موضوعاتی که به آن اعتقاد دارم می نویسم؛ غیر آن را به دیگری بدهید.

حالت صادقانه با امام زمان علیه السلام داشته باشید، بگویید: مولای من! من تا به حال به واسطه شما روزی می خوردم؛ ولی الان بیشتر از برکات شما استفاده می کنم. در مقابل حضرت، حالت اخلاص و صدق داشته باشید که همین مطلب برای آن حضرت و خدایش مهم است.

انتظار: موفق باشید.